

ت ممتاز خواست بود و حضور پیشهاد دهندگان
ش ۱۶۵۵
رئیس اداره کل کار برداری - مصطفی ناصر

ایران « حسین تهرانی » دو خواستی بشماره
تاسنامه و پرستشنامه و بزرگ هزینه متوجرات
و به بدین توضیح که بانو شوکت فرزند علاءالملک
در ۱۳۶۵ در تهران فوت نموده وراثت
بر ایران و صبر و ملوک و محمد چهار نفر
گروای گواهان مراتب را سه نوبت متوالی
از هرازد علی به آگهی برساند چنانچه
بالاتر از این باشد ظرف سه ماه از تاریخ
بدادگاہ بدهد و چنانچه وصیتنامه از توفیق
محض سایر ارباب اختصار شده ظرف همین مدت
بر وراثت نامه از رسمی و سری ابراز شود
بهت کننده صادر میشود
دادگاه بخش تهران - حسین اسلامی

صمد مومنی دارای شناسنامه ۱۰۰۹ در اول پسر
استندانات لازم در خواست گواهی نامه صحر
به ملا علی پسر دناوی شناسنامه ۱۰۰۵ از
اوله ۳۱۸ در اول از شناسنامه خود
پای اساسی ۱ به صمد خوانده ۲ صمد حسن
صمد مومنی دارای شناسنامه شماره ۱۱۱۱
به شناسنامه ۱۱۱۱ دختر بوفعلی میباشد گواهی
صرا بده به نوبه متوالی درج در میله درج
از اعضاء هیئت از تاریخ ۳۱ اول آبان
برای گواهی نامه جنسی داده خواهد شد ضمناً
و مدت ۳ ماه باین دادگاه می رسد و پس از گذشتن از
روسی (روسی) ابراز خود از استیضاح خط است
توسعه دادگاه پس از مدتی در اول صمد و اوله

ماخسان جاده مراپرو بین دامنه و تنگه گری
تاریخ ۷ آفریماه ۱۳۶۹ تمدید پیمانیه
اداره کل آبیاری و سدسازی

• ایره انگلیسی با دولاار ارزش خوب دارد قوه پیش باشد
اشته و جریان کارهای آن از سه ماه قبل برآید

براز هر یک با نصف گرامی که تاکنون می
درستکار می‌تواند از موقع استفاده نبوده
بر نمد ادھرستانها یک کلا از تهران قصد
محل و نقل فرود خواهد شد

٤٩٤٠ ملحق
٤٠٧٢ >
٧٠٦٤ >
٨٨٧٣ >
٥٢٤٤ >

۱۵. از تبریز وارد شد این کتابچه که برای
برنامه جمعیت آزادگانف و فهرستی از
سیده و بوبوخته آن با سیکر موفت ارجع شد
نوازستان دو تهران از اداره روزنامه هم در
پناه بهاد بک جلد ۵۰ و مال برای شهرستانی

پاک دامہ سراپا رستی

مخترصیت را از پروردگار توانا
استانوار است گذشته پادشاهان رسید
بانه خرمی گردید و برپشتانی که
دو باره تحول اندیشه من و تاثیر
هم آقای کسروی نبوده اید و همچنین
مع بابینکه نوشته اید گفت های ایشان
تکی تبدیل میشد از اذعان داشتند و بگر
مکان و آشتایان نزدیک بیست برپشتانی
صولی که شایسته اید بین نوشته اند
اصح خواست اند و من هم تا جایکه حسند
بشما توانائی رفتن داشته پاسخ نوشته ام
رضی از آنان پاسخها را پذیرفته اند
درخی هم هنوز بنوشتن و پاسخ گردن
ند داده اند و احکون چون نوشته اید
ممکن است مضطرب من در هر دو آن
ست تاثیر نباید بد ز یاد مقدمه برپشتانی
شما را پاسخ دهم .

آنکه هر چند روز در راهی
بازم و این از آن جهت بود که
ب خود را پیدا نکردم حتی از
کتاب عهدین و جدید و آیین
و فراموشی و آفتاب و ماهه اینها
نکردم تا اینکه در اوایل سال
۱۰۶۰ که آهنگ تهران داشتم پس از
نیم سال در آنجا در خانه برآمدم چندی
در سال پنجم و ششم پیمان دادم
از آنها را خواندم و چون گذارم
نموج از آن ممانعت ها در دولت تاثیر
پس از وصول به تهران يك بار دو
پنجاه آذای کسروی رستم و بربری از
هاشنام را گرفتند با خود بناموس
و گدگهای آنها را آیدیدم
بدم و راستی این است که در باغی
خوانند آنها را انضاج پیدا کردم چه
باغی را می خواند بانی و دیگر بندها
از سالها در قلل جای داده بودم
و این آمد روی چوبت میدیدم با
و می آنگاهای بلک و رفته حقایق
در باره توشه کشیده که با
برهمن می سازش دارد از اضرار

بود که روزنامه‌ای دیده که هلی
 کشنده مرثیه شب‌آب به نفر را
 بوده که یکی هم نام مسافر ذکر
 چون آن روزنامه میبخت، مخصوصش
 دن و نمرش بمنست که سود خود را
 دانسته بودی نکردم. گمان ضرود
 می‌شود بکنون عرض و آرزای خود را
 بریکه نوشته بیداشت که چه می‌خواهد
 بهر حال هلی او حق را از زبان نامی
 شسته بود که کاشش و پلایم من
 تمام. دو این باره نیز اگر هلی
 خوشی مرا پشتیبان کرده بخوام
 اگر دادگاه تبیین کرده چون
 باز اجاب است ناگزیر می‌بدم.

امل - پرچم آقای کسروی نشست
فر را با آزادگان ببر یک میگویم .
مراجعه

تسکین به ادا ماین بود تو شتای
و یاره و سه باره ای دیده گنرا بدم
و هر جمعه ای دشت کافو بنگار بدم
انصاف را از دست ندهام و غرد
روی پذیرفتن آستگاه شتوان خدم
و هایش راست و خرد خنوا چری
من سالهای متمادی روستا خنوا
اما دست نی آورده امع الوصف
بک چیر مرا از گوشه و در شربت
آموزا گها باز میدهات و دی
و حصول آفتابکات کامل بوم
تسکینه باور فکر میگردم که
پس این برده ی نه های دیگری
به در ظاهر میوه ما ولی در پراخن
پس بران تو ایران تمامه
تسکینه دیگر تو بنده گات این هجوه
به اضم و اینجا میگردونه
از اروپا بک متناهی و ملازمتی
مطافه و مراقبتی آسمای بوم
ما دو سال پیش خنی دو آغاز
با نوشته ای بسیار به موضوع
معاون با حضور آقایان فرهنگ
و یکسکینه گواشت و آذان هم
تسکینه تو آمده ای اینکه واقع
ماه ۱۳۴۰ پیش از دهه و پس از
روزنامه پریم بنیاد گرفت و اس
من نایت کرد که داده به بیان
در ایران برای استکباری جهانیت
هواد چرا برای اینکه بدیم
که تصادیه دیو است و سید
دمح اعظمی گفت: بهایوی سرورده
به آن چایلوئی ها خود و اجانو
بودند هنوزان شد از برادران
بود و ثابت بد گوی میلا کرده
تسکینه به یاری میاید

آباد سرورند و دینم همان کسان
ضرت پهلوی را بنامرصاد کبر
و زمان او را دوره مشتاق ایران
با کمال بی حیا و بدون اینکه
خود را پناه بیاروند آن را دوره
و مشتاقان آن خوانند که بدیدم
ایک روز صایه آن شاه بدون
مقام مقدس و کلی مالت را اغاثان
بارها بداده آن شاه بر خاسته
کمال بی حیاتی بدترین نسبتها
شاه دادند دیدم که همه
و خیانت کاران آن آب و
دیده خاسته همه گمان خود
پشت پنهانند و خود را
مرغی کنند و باز هم نوهرار پس
و مقام خود را محفوظ نگاه
داریم که خدمات آن شاه را صغی
کردند اند و جز بی‌پای او را
فرمودند بر صورتیکه آن شاه
گرفته ولی خوبهائی هم نبوده
گر از روی اعیان نگاه کنیم
دیده است و این نامه گنجشای آن
شاهان و مسوولان خود را
دارد و چون میدانم که در این
اوضاع شایسته از من هست بیست
نگاشا کردم و در صورت نیاز
روزنامه ها تا یک سال ۱۲۹۶
تا امروز نوشته شده بدست
یاغوانو آن آب درستی گفتار
پند و گواهی مفید که در ظرف
در شکه های استند که

کسی از باشندگان (که از بیرون آمده بود) چنین گفت: «دامیان
«چرا اینکار را به پروا؟» شما اگر ایستادن و نگویند جوانها
بیرون می آیند از خرافات دور خواهند بود.» سپس شرح داد
چند مردم عروشان مطابق احتیاجات زمان می گرازد. آنجا اعتقاد
می خوردت میداند... «آقای خراسانی باین که از قیو خاصی
که دارم به مردم خواهری کردم موضوع دیگری بگویم، و
باینکه ما نیست که بطور ما می کشند باید در اینجا با حق روشنی نویسم
و این که به خواهری کردن بکنند های ما گرازد، یا به خواهری بمانند
کی حکم می داند به پیشوایی بر پیشوایان سخن می پردازد و می
بگوید: «ایمان می پذیرد که قانونایی حکم آدمیان در زنده گانی
و این قانونایی مربوط است که هر زمان تغییر می یابد و نیست می گوید
احتیاجات زمان» که می گرازد و هیچ بنیاد که بکنند موضوعی نبود
اصول قانونایی است. مثلا امروز گفتگو می رود که آیا زنده گانی می رود
به دین خودی خود و خاندانش باشد و با چنان نیست و آدمیان
می کشند گفتگو می رود که باز راستی را در جهان نیک و بد نیست
می کشد که در دین آنها از دیگری (خرد) آدمیان داده شد، و این
و بد نیست به خواهری و ناخواهری باشد، گفتگو می رود که آیا
و هر کسی هر چه توانست سرمایه یاراز آورده و دو داد و ستد
آنها را با ما داد که گردانید و از آزادی بی جلوگیری، مانند اینها
آنها را نیز مردم عروشان «مطابق احتیاجات زمان» تعیین
می گرازد»

ایران چنه گونه کیش هست و هر کیشی زندگی را بگونه دیگری
 و در دیگری میرواند- خود دیده، مثلا صوفی می گوید هر کس
 به پیب نفسی و باقو و پادگر و ریاضت و پناه نشینی خود را از دنیا
 بدهد او در اخراج جهان و گذر از زمین برستی و استقلال و ایستادگی
 می یابد می گوید هر کس باید بهایی شود و کتاب ادیس بخواند و روح
 باقو را دوری دوری فرستد و پس و ورد او گذر از ایران و
 است - همچنین دیگران هر کدام زندگی را به دیگری معنی
 و خیام و حافظه سراسر زندگی را با هیچ و روح میدانند و صوفی و
 نایبانه و می گویند تنها باید روحی برداشت و هیچ کوششی هم

به پنهان‌های پراکنده و گوناگون را هم با قانون از بیانت خواهد
ای خواهد نوشت که هر کس باید هر گونه اندیشه‌ای از صوفیگری
از راه با تکیه بر باورهای در دل دارد بیرون بکشد و اگر به جیب با
خواهد گردید.

روست که ایوان میبایگی و ناهشی را باشود سری و گردنکشی
 مای کوشیم و تهجاش هم روغن گردیده و ایوان می دوخته
 خود بخود درست میشود.

است این سخن دو دولت، شما می بینید که بیرون می آیند خرافات دور
ان پندارهای پوچ گوناگون شده چهره صفت با همه دوست
دوم همان جوانان دو دهرستان گرفتار خرافه های دیگر
پرستی، رمان بافی، ادبگری و مانند اینها .

« آریه (امداد) بیدار است هر کسی خودش می داد . . . ه
ت شیده اند و نا امید، زبان می رانند ایشان نمی دانند
از همان پرستیده (امداد) بیدار می آید . بیدار
(امداد) بیدار آزاد باشد هر چه آمده شما آزاد
مادی بود و زنگی را شد خواص یافت و خود را خواصی
قد شد، دیگری صوتی بود برادران زندگانی را گاه خواص
انی بود شما در پی خوشی و باده خواری خواص بود

و من می گفتم که هنگامی که دولت نبوده و مردم بر سر خود باشند
روزنه که بشنود و غایب باشند یا اضافه بر دامن را که جز
بست پیک شاره نام «ادبیت» بروی آن و نهاده و سر نبوده اند
مزاران و صد هزاران کس که گرفتار آن گردیده و بر می ماند
نوازیست که آدمی بر سر شود تواند بود و باید بطورائی برای
فدای

۳ مقصود خود مدعی
 برای یسرئت تود
 به شهر روماء ۱۳۶
 که رامت بهی بی نایت
 ن میامد و ضمالهای
 ای از آنها و اگس
 گشتگو لوده میگو
 آبه مصلحت تود

آقای جعفری مانده از کِلان دیرو قبل
از ظهر آقای حسرت وزیر را ملاقات
و گزارش خود ماموریت خود را دادند.
بیمکالت فر مانده اری
بعضی بایگ، که احتشای فر مانده از
دو جوان پنهان، حصار شده بودند از طرف
وزارت کشور آقای نصی رست و
نگران آن شهرستان بیمکالت فر مانده اری
میکشود.

آهنگه گرد و
گشته د ماسر چشه
خود نوده ميشاريم
لوه گي پاره كيه
يم و اسود بولان
برايگر اسود
نوسنه بيان
و گره گران كه

وقت بدنامی ایران
 بیگانهان این نوده
 رنگی جلوه میکنند
 خضی بایه و خلاف
 از و حدیان موسی را

همه از اهالی شامیرو زبان اواز
 نگرانی مضار آمده و شکایت نموده
 اند که با تمام مصائبی که به شهر شامیرو
 وارد آمده است بر خلاف قانون زبان
 شهر اجناس و کالاهای انحصاری و غیر از بار

نامهای بسیاری از شهر و استانها
برای شهر کرد و شاپور رسیده و
از سبقت اهالی را بپرواضه گردانی
آفرین کالاهای مورد نیاز بخصوص
ایران و ترقی عجیبی که سطح زندگی
بلکه معاش بوده و زندگی را بسوم
موصلا کالامندان و خدمتگزاران دولتی
میرودند شاهرز جواد و قدامت بوده
رئیسداران و مأمورین مربوطه پیش
نیز چون به موضوع زندگی مردم شهر اهالی

انتخابات ستاد ارشدی
آقای مرشد محمد ظهاری که استاد
منتخب بودند بریاست ناحیه یک
مرمری مرکز حسین و مشغول ستاد
بودند
آقای مرشد سید جواد میرزا در ستاد
ناحیه یک مرکز بریاست ناحیه ۷
بودند

دوازدهم: میرزا محمد علی بیگلر بیگ
سازمان و مشغول کار گردیده اند
هفتم: میرزا محمد علی بیگلر بیگ
میرزا محمد علی بیگلر بیگ

آگہ، مز ایدہ

[illegible]

۲-۲. نارینه انتشار ۱۳۳۱:۱۴:۳۳۹۱

اکبر، مزایده

شماره حساب ۱۰۸۸۴ ۲۱۲۰۳۸
 یکه‌دلت متاع از شده‌دلت یک‌کباب‌خانه نوسال پلاک شماره ۴۲۳۳۴ واقع
 در تهران، بخش پنج خیابان قلائت، ملکی ۳ تاقی می‌شکوهیده زاد سکه به ثبت
 شده و در اجاره می‌باشد و روز ۱۴/۱۶ و ۱۴/۲۶ ساعت ۳ قبل از ظهر در شب
 اجرای ثبت تهران به‌عزایان فروخته می‌شود مورد مزایده در مقابل مبلغ ۱۵۰۰۰
 بان وثیقه بوده و برای وصول مبلغ در هزار دینار تین معامله و اجور جزئی صادر شده
 ملا مزایده از مبلغ ۱۸۰۷۳ ریال شروع شده

مالیات حراج نیست بازار طلب بستکار بهمه خریدار است
تاریخ انتشار ۲۱۸۶۲۴
ش ۱۲۰۰
رقم ۳۰۰۰

آگهی از انجمن

آگهی مزایده
شماره حساب ۱۲۵۴۳-۳۲۱.۷۰۱۹

سه روز است که از شش تا یک این خانه و باید کان جدیدی بنا نهاد. متصل به کان
قدیم و در پیش ۴ مقابل حمام شربت آب در قرب باغ و سپس جزو پلاک شماره ۶۶۷
مستحق و اوت مردم از اعیان کاتبه حاکم فرید که دو جریب است ثبت است و در اجاره
سی نیباشد.

و در تاریخ ۱۶۹۶ در ساعت قبل از ظهر و در همه ۳ اجراء است
این بیزاید فروخته شد و

گذاشته و به درخواست محکم
گذاشته میشود و به صورت

تاریخ انتشار ۶۶/۸/۶۶
ش - ۱۲۱۴
دیس ۳ اجرای تیت تهران - فصل
آگهی

۲۶ ربيع الثانی ۱۳۰۴
در تاریخ ۲۶ ربيع الثانی ۱۳۰۴ بانو مرثیه علی قلی خاندارای شناسنامه شماره ۴۳۱۲
ادعواستی به شماره ۵۷۳۹ تقدیم و بسته بکریک دوازده ماهه و نه وقت شناسنامه

بیهوشی و بیستیه بکبرک او
انت نموده بدین توضیح

۱ - یوزک ملی ژنل (خانقا کنده)
۲ - د پيچ سلطان ميال داسی متوقی

۳- هنر و معبد ایران متروکی - بتول و مصوبه و سلطنت و معجزه
ایام و آثار ایران متروکی میباشند پس از خدمت گواهی گواهان مراب و با سوتیوت متروکی
کی بیکار در مجله و سی و بیکار در جراید و کی بیگانه چنانچه کسی را بی
بات استوار میباشند باقیه طرف به ماه از تاریخ انتشار آگهی یادگد تقدیم
به استقامت مد گواهی در خواست شده صادر میشود و نیز اگر کسی وصیت نامه ای
دارد در طرف مدت نزود ایزال و الا هر وقت بامه شد

دیس صفحہ ۱۲

ایمانی مساحت هشت جریب هزار متری بکلمه باغ و منب و منبر واقع در
 ۱۵ اصله ملکی آقای استاد میرزا اصفی کدور
 بان ثبت است و دو اجاره کسی شبانه دوزخ و هفت ۶/ آذر ماه ۹۱ مساحت
 از ظهر در هشت کیلج بشور مزایده فروش میرسد طالبین میتوانند در روز
 در دوازده صبح و در حریه شرکت نماید مکتوم مزایده معلوم ۱۸۰۰
 و تهیه کرده و برای ۱۲۰۰ دینار اجاره صادر شده و فعلا مزایده از مبلغ
 ۲۹۶۶ دینار شروع میشود مالیت حراج نسبت به مالک طلب بستن کار تلقی نمیکرد
 حریه از است تاریخ استیثاق اول ۲۶ و باین عمل ۱۲/۴
 ۱-۳

آگهی مزایده

۶۱۸۸۵-۹۲۳۷۲۰۸

در روز پانزدهم آذر ماه ۱۳۲۶ ساعت دو قبل از ظهر مراجع آیت آبا-
 ده کلاهده میشود و حراج او مبلغ دوازده هزار ریال شروع خواهد شد این آکشی
 فیست روز سه نوبت منتشر میشود تاریخ انتشار ۲۶ آبان ۱۳۲۶
 ش ۱۲۱۱ ریس اداره آیت آبا-ان و خرمهر روح الله کبا
 ۸۱۱۷۰
 آکشی مزایده
 ۲۹۷۲۹۱

۱۲۶۵ انتشار ۲۱۹۹۲
رئیس شعبه سوم اجرای ثبت

م. در برابر پاس ۶۶ تیت رسیده و در ابعاد ۳۰ مسمی نیست
در تاریخ ۱۶ بهار ۶۶ ساخته شده و تیت قبل از ظهر در شمع ۳ اجرای تیت
بزیاده فروخته میشود
و مزایده از مبلغ ۶۵۱۲۸۵۱ ریال شروع میشود
و مالیات بر اجرت نسبت به مزایده طلب پستانکار چیده خریدار است
تاریخ آشنای ۱۶ بهار ۶۶
و تیت شمع ۳ اجرای تیت هر نیم بعد